

آرتور امانوئل کریستین سین

کاوه آهنگر و درفش کاویانی

ترجمه‌ی

منیژه احدزادگان آهنی

فهرست

| | |
|----|---|
| ۱۳ | پیش‌گفتار مترجم |
| ۱۷ | روش کار |
| ۲۱ | کاوه‌ی آهنگر و درفش کاویانی |
| ۶۹ | نمایه |
| ۸۳ | فهرست منابع فارسی |
| ۸۹ | فهرست منابع احتمالی لاتین کریستین سین و فهرست مترجم |

پیش‌گفتار مترجم

دنیای رازآمیز اسطوره در جهان و زمان جاری است و سرچشمه‌ای بجز باورهای مردم ندارد. همین باورها، چه خرافی و چه منطقی، پیوندی بین تفکر اسطوره‌ای و تفکر منطقی و عقلانی دارند. مضمون عقلانی ذهن انسان، در طی سده‌ها، او را به موجودی خردمند و اندیشه‌ورز تبدیل کرده، مفاهیم عقلی را به عنوان وسیله‌ای برای شناخت خود به کار برده و در عین حال از تفکر اسطوره‌ای نگسسته است. «سقراط در پاسخ به این پرسش که آیا او این داستان و این "انسان‌های اسطوره‌ای" را باور دارد، گفته بود که گرچه نمی‌توانم بگویم که آن را باور دارم، اما منکر اهمیت آن نیستم (کاسیرر^۱ ۱۳۶۶: ۴۰)». اما، در این میان، تفکر فلسفی و تاریخ، طی سده‌ها، به نفی اسطوره‌ها پرداختند. در حالی که نخستین فیلسوفان یونان خود در فرهنگ اسطوره‌ای دانش آموخته بودند، افلاطون اسطوره را «مغایر با روح دانش و علم روستایی می‌پنداشت

۱. Ernst Cassirer، ارنست کاسیرر (۱۸۷۴-۱۹۴۵)، فیلسوف آلمانی.

(کاسیرر ۱۳۶۶: ۴۰). اما چنین داوری‌هایی پژوهشگران راز
جُستار درباره‌ی اسطوره‌ها باز نداشت. اسطوره‌ها به یاری زبان و
زبان‌شناسی تطبیقی، زبان‌شناسی هند و اروپایی، ریشه‌شناسی،
گویش‌شناسی و نیز مطالعه‌ی ادیان درآمدند.
این سنت به پژوهشگر جستجوگری مانند آرتور امانوئل
کریستین سین^۱ (۱۸۷۵-۱۹۴۵) امکان داد که در مورد زوایای گوناگون
ایران‌شناسی به مطالعه بپردازد. او در پژوهش خود نه فقط
زبان‌شناسی بلکه بسیاری از علوم انسانی را که در آن تبحر داشت به
یاری گرفت.

کریستین سین در این کتاب با استناد به متون اوستایی و پهلوی
(فارسی میانه)، که در آن‌ها نامی از کاوه برده نشده است، و با کنار هم
گذاشتن و قیاس روایت‌های تاریخ نگاران عرب، ایرانی و
شاهنامه‌ی فردوسی، کاوه را شخصیتی کهن نمی‌داند. او می‌نویسد
که افسانه‌ی کاوه‌ی آهنگر در دوره‌ی ساسانی به وجود آمده و به
سرعت مورد توجه مردم قرار گرفته است. و چنان محبوبیتی یافته
که یکی از هفت خاندان نجبا که دارای مقام‌های موروثی بلند پایه‌ای
بوده‌اند، یعنی خاندان قازن که حتی در دوره‌ی اشکانیان نیز نقشی داشتند و
سوخوا پهلوان قدرتمند دوره‌ی قباد نیز از آنان بوده، کاوه را از خاندان
خود می‌داند. در حالی که مردی که می‌بایست نام خود را به درفش معروف
دوره‌ی ساسانی - درفش کاویان - داده باشد، در واقع، نام خود را از درفش
ملی دارد. و درفش کاویان نه فقط درفش کاوه نیست و نامش را از او
نگرفته است بلکه به احتمال زیاد از دوره‌ی پادشاهان پارتی پیدا
شده و شاید آنان آن را از وطن شمالی‌شان آورده‌اند.

آیا کاوه ساخته و پرداخته‌ی افسانه پردازان است؟ آیا فردوسی، آن پیرِ خِرَد، که به قول شادروان شاهرخ مسکوب^۱ «هنوز هم صدای گرمش گاه‌گاه اینجا و آنجا در خانه‌ای و قهوه‌خانه‌ای شنیده می‌شود...» (مسکوب ۲۵۳۶: ۱) و پیوندش را با ما نگسسته، سُرایشگرِ آرزوهای بی‌کرانِ ما نبوده؟ بی‌تردید چنین است، زیرا روایت کاوه به هر دوره‌ای تعلق داشته باشد، خواه داستان باشد یا اسطوره، کاوه خواه غنی باشد یا فقیر، چه حقیقت و چه واقعیت، روایتش همان قدر زنده بوده، هست و خواهد بود که خودِ فردوسی. زیرا فردوسی و پهلوانانش از جنگ‌ها، حمله‌ها و ویرانی‌ها سر برآورده، بی‌گزند از گذر زمان، جاودانگی یافته، هنوز بر سرِ مهر و پیوند در اندیشه و آرزوهای مردم سرزمین ما جای دارند. و شاید این رازِ سرزمین ما، مردم ما و افسانه‌های ماست «ولی تاریخ است آن‌چنان که آرزو می‌شد» (مسکوب ۲۵۳۶: ۵).

روش کار

کاوه‌ی آهنگر و درفش کاویانی - عنوان اصلی کاوه‌ی آهنگر و درفش ملی ایران باستان (Christensen 1919) - که در سال ۱۹۱۹ در کپنهاگ از سوی انجمن سلطنتی علوم دانمارک انتشار یافت، مانند دیگر آثار کریستین سین، پژوهشی علمی است. در این اثر نیز می‌توان توانایی و تسلط او را به منابع و چگونگی استفاده از آن‌ها را به خوبی مشاهده کرد. در پیش‌گفتاری که کریستین سین بر داستان بهرام چوین نگاشته (کریستین سین ۱۳۸۳: ۳۵-۶۵) روش کار خود را به خوبی شرح داده است. در این پژوهش نیز او همان روش را با تسلط بیشتر به کار برده است. گرچه از درگذشت کریستین سین شصت سال می‌گذرد و پس از او پژوهش‌های باارزشی انجام گرفته، اما ترجمه و بررسی آثار او و دیگر پژوهشگران دانمارکی گنجینه‌ی ایران‌شناسی ما را پُربارتر خواهد کرد.

دست‌نوشته‌ی این مقاله در آرشیو کتابخانه‌ی سلطنتی دانمارک موجود نیست. از این رو، این کتاب بر اساس متن چاپی ترجمه شده است. خلاصه‌ای از این مقاله به زبان انگلیسی انتشار یافته که در

کتابخانه‌ی سلطنتی دانمارک یافت نشد (Christensen 1925). در کتاب‌های حماسه سرایی در ایران (صفا ۱۳۶۳: ۵۷۳) و مزداپرستی در ایران قدیم (کریستین سین ۱۳۷۶: ۱۱۷-۱۱۸)، به این مقاله اشاره‌ای شده است.

در ترجمه سبک و روش نثر کریستین سین را، آن‌چنان که به نثر فارسی آسیبی نرساند، حفظ کرده‌ام. نام‌های برده شده در مقاله را به همان صورت متداول در زبان فارسی نگاشته‌ام. برای مثال کریستین سین در تمام متن ضحاک را دَهاک می‌نامد؛ فریدون در تمام مقاله به همین صورت ضبط شده است، در حالی که، در بخش‌هایی که سخن از متون اوستایی است، فریدون به صورت اوستایی آن تریثونَه و ضحاک به صورت اژی‌دهاک آمده است. در مورد قباد نویسنده صورت پهلوی آن «کواذ» را آورده است. از آن‌جا که بخش مهمی از مقاله بحث لغوی است، من صورت اصلی واژه‌ها را، همان‌گونه که در مقاله آمده، به لاتین در داخل پرانتز ذکر کرده و این روش را تا آخر مقاله ادامه داده‌ام. تمامی منابع کریستین سین را دیده و به نام نویسنده، سال انتشار کتاب و صفحه‌ی آن ارجاع داده‌ام.

شاهنامه‌هایی که کریستین سین به آن‌ها ارجاع داده، شاهنامه تصحیح ژول مول و شاهنامه‌ی تصحیح یوحنا وُلرس^۱ است. من مشخصات کامل هر دو شاهنامه را به فهرست منابع افزوده‌ام و به شاهنامه‌ی مول با سال انتشار و شماره‌ی صفحه ارجاع داده‌ام.

۱. Joannes Augustus Vullers، یوحنا آگوستوس وُلرس (۱۸۰۳-۱۸۸۰) خاورشناس آلمانی. این نام در فرهنگ خاورشناسان «فولرس» آمده، اما، در پشت این چاپ از شاهنامه به صورت «وُلرس» نوشته شده است. شاهنامه

کتاب هایی را که کریستین سین در پانوشت ها ارائه داده به همان شکل در پانوشت ها آورده ام و اصل کتاب را یافته و به فهرست کتاب های مرجع نویسنده و مترجم افزوده ام.

علاوه بر یادداشت های کریستین سین یادداشت هایی نیز به پانوشت ها افزوده ام. این یادداشت ها، که با علامت ستاره آغاز می شوند، شامل موارد بسیاری برای توصیف کسان، پهلوانان، رویدادها، معرفی کتاب ها، شناسایی و معرفی کامل پژوهشگران ایرانی، عرب و اروپایی است که در تمام مقاله به آنان اشاره می شود. تصاویر کتاب اصلی را اسکن کرده و در ترجمه ی کتاب آورده ام، ضمن آن که تصاویر دیگری نیز به کتاب افزوده ام.

شایان ذکر است که تمام منابعی که کریستین سین در تألیف کتاب به کار برده و مشخصات کامل آن ها را نداده، با مراجعه به آرشیو کتابخانه ی سلطنتی دانمارک، همه را به طور کامل با ذکر نام اثر، سال و محل انتشار، و نیز منابع فارسی و لاتینی را که خود برای نوشتن پیش گفتار، ترجمه و یادداشت ها از آن ها استفاده کرده ام، در پایان کتاب آورده ام.

بیان این نکته ضروری است که در الفبای دانمارکی حرف J، «ی» خوانده می شود.

در این جا بایسته است از همه ی عزیزان و کسانی که من را یاری کرده اند سپاسگزاری کنم: فرزندم علی آلفونه مانند همیشه ترجمه ی فارسی را با اصل دانمارکی مقابله کرد. کارکنان کتابخانه ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه ی سلطنتی دانمارک بخش نسخ خطی و کتاب های نایاب و کارگاه عکاسی آن،

کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی کارستین نیبور و کتابخانه‌ی شهرداری هرلو، که همواره با خوشرویی و محبت بسیار، منابع مورد نیاز را در اختیارم گذاشتند. آقای احمد طهوری انتشار کتاب را به عهده گرفت و مانند همیشه در تهیه‌ی بسیاری از منابع از هیچ کمکی دریغ نکرد. مسئولان چاپ کتاب و نیز دیگر فرزندان علاءالفونه و دوستانی که همواره مشوق من بودند. یزدان همواره یاورشان باد.

منیژه احدزادگان آهنی

کپنهاگ خرداد ۱۳۸۴ / مه ۲۰۰۵

کاوه‌ی آهنگر و درفش کاویانی

تاریخ افسانه‌ای ایران دارای اهمیت خاصی است. خوشبختانه از آن‌جا که ما در مورد پژوهش‌های تاریخ افسانه‌ای در شرایط خوبی قرار گرفته‌ایم، می‌توانیم سرچشمه‌ی تحولات چند هزار ساله‌ی سنت دست‌نوشته‌های پهلوی را، که دنباله‌ی نوشته‌های اوستایی بوده و در دوره‌ی اسلامی نیز ادامه یافته است، به دست آوریم. در برخی موارد که سنت مشترک هند و ایرانی در پشت متون اوستایی قرار می‌گیرد، حتی می‌توان آن‌ها را با وداها^۱ و دیگر منابع هندی که

۱. Vedā * ودا، به معنی دانش و از ریشه‌ی سنسکریت وید (vid) به معنی دانستن؛ اما به طور اخص به معنی: دانش الهی یا علم مُنزل به کار رفته است. این واژه با لاتین: videre، به معنی معرفت و دانایی ممتاز و با واژه‌ی اُنیدَ (oida، من می‌دانم) یونانی هم‌ریشه است. در آغاز این نام به سه کتاب: ریگ ودا (Rig-Vedā)، یاجور ودا (Jajur-Vedā) و ساما ودا (Sama-Vedā) اطلاق می‌شد و مجموع این سه کتاب را تراپی و دیه (Trayi-Vidya، دانش سه‌گانه) می‌خواندند. اما بر سه ودا ی اصلی، کتاب چهارمین به نام اتھروا ودا (Atharva-Vedā) نیز افزوده شد. ریگ ودا: سرودهایی است که در ستایش خدایان مختلف سروده شده است. سامارا ودا: ودا ی آهنگ‌ها است. نیمی از سرودهای این ودا تکرار ریگ ودا و نیمی دیگر اصلی است. یاجور ودا: این ودا از قطعات نظم و نثر ترکیب شده، موضوع آن درباره‌ی قربانی‌ها است. اتھروا ودا: این ودا شامل تعداد زیادی وردهای

کهن‌تر از اوستا هستند مقایسه کرد. این تحول طولانی، که اغلب می‌توان آن را از جزئیات تا منابع مفصل پی‌گیری کرد، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا نگاهی به روان‌شناسی تاریخ افسانه‌ای بیندازد. در این تأثیر متقابل بین شکل‌گیری عامیانه‌ی افسانه و ساختار شبه علمی آن، که اغلب در برگیرنده‌ی اعتقادات دینی است، تاریخ افسانه‌ای ساخته می‌شود. گذشته از این، نمی‌توان تصور کرد که تفاوت زیادی بین روایت عامیانه و علمی وجود داشته باشد.

این نوع انتقال عامیانه‌ی افسانه امری غیر فردی نیست بلکه امری است که ریشه در ژرفای رفتار رازآمیز جمعی دارد. اما افسانه‌ها در خود آگاه هر فرد آفریده، بازسازی، ساخته و پرداخته می‌شوند. در این انتقال که کوششی است برای شکل‌گیری تازه با تغییرات آگاهانه - یا ناآگاهانه، با درک و یا یادآوری نادرست -، از صد یا هزار مورد شاید تنها یک افسانه باقی بماند و تنها یکی بتواند

→

جادویی است که برای راضی کردن ارواح پلید به کار می‌برده‌اند. در میان سه ودای اصلی ریگ ودا از همه کهن‌تر است. سه ودای اصلی، نه تنها از حیث قدمت تاریخی، بلکه از نظر مطالب و طرز تفکر گویندگان و آیین پرستش با کتاب چهارم اختلاف دارد.

وداها مرجع تمامی آداب و سنت‌ها به شمار می‌روند. همه‌ی قوانین و مقررات در چهارچوب آموزش‌ها و تفسیرهای آن‌ها به وجود آمده و مراسم، تشریفات مذهبی، دعاها، نمازها، و آداب و رسوم اجتماعی هندوها از آن‌ها سرچشمه گرفته است. ریگ ودا کهن‌ترین سند اقوام هند و اروپایی است و تاریخ سرایش آن به درستی مشخص نیست. برخی از پژوهشگران اروپایی تاریخ سرایش آن را بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م، و پژوهشگران هندی تاریخ پیدایش آن را به هزاره‌ی سوم و ششم ق.م رسانده‌اند. به نظر برخی از پژوهشگران، امکان چنین قدمت با توجه به خویشاوندی که بین سرودهای ریگ ودا و بخش‌های کهن اوستا وجود دارد، نادرست به نظر می‌رسد. تاریخ نگارش و تدوین وداها را در سده‌ی ششم ق.م دانسته‌اند. ریگ، ۱۳۷۲۱۰، ۴۵، ۸۷

رضایت سلیقه‌ی زیبایی شناختی مردم را فراهم کند. این تغییر عامیانه‌ی افسانه‌ها از هنر زیبایی شناختی ناشی می‌شود، اگرچه انتقال عامیانه اساساً به خاطر خود افسانه و تأثیر حماسی یا دراماتیک آن مورد توجه است. در حالی که، اقتباس علمی در تغییر خودسرانه‌ی خود از افسانه، به خاطر آن که بتواند از رویدادها و روابط میان انسان و دنیای خدایان استفاده کند یا به خاطر آن که آن را از نظر زمانی و تبارشناختی با دیگر افسانه‌ها تطبیق دهد، اغلب به سوی عوامل بی ارتباط با داستان سوق داده می‌شود. اما مرز بین افسانه‌ی عامیانه و علمی اغلب مبهم است. آن راوی گمنامی که افسانه‌ای را که از غریبه‌ای شنیده است بازگویی می‌کند، در اندیشه‌ی آن است که آن را به شخصیتی یا محلی که او و شنوندگانش می‌شناسند پیوند دهد.

افسانه‌ی کاوه (Kāvāh) ی آهنگر، به صورت کهن، در شاهنامه‌ی فردوسی - که در حدود سال ۱۰۰۰ م / ۴ هـ. ق. به پایان رسید - شکل گرفت. هر یک از ایرانیان این افسانه‌ی کهن ملی را به روایت حماسه‌ی فردوسی شناختند. از این رو، طبیعی است اگر این پژوهش را با خلاصه‌ای از روایت فردوسی آغاز کنیم.

سلطنت شکوهمند جمشید (Jamšīd)^۱ ناگهان به پایان رسید و

۱. اوستا: Yima؛ سنسکریت: Yama؛ پهلوی: Jam؛ فارسی نو: جمشید یا جم. جم یکی از چهره‌های باستانی مشترک دوره‌ای است که هندی‌ها و ایرانی‌ها با هم می‌زیستند. در هند بزرگ‌ترین نقش او فرمانروایی بر جهان مردگان است. در حالی که در گاهان با صفت‌های: شید (xšaēta) به معنای درخشان و شاهوار، هورَمک (huramak)، خوب‌زَمه، به معنای دارنده‌ی زَمه‌ی خوب، سریر، به معنای زیبا و خوش‌دیدار، توصیف شده است. جمشید پسر ویونگهان است، نخستین کسی که شیرهی هئومه را فشرد و به پاداش آن